

جایگاه و اهمیت کاربری فضای سبز

صالح عباسی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

کد مقاله: ۴۹۲۳۵

چکیده

تمرکز فعالیت‌ها و زندگی انسان در شهرها، ایجاب می‌کند که این کانون‌ها برای حفظ پایداری، از ساختارها و عملکردهای سیستم‌های طبیعی الگو بگیرند و چاره‌ای جز پذیرش تأثیر این سیستم‌ها ندارند. در این بافت، فضاهای سبز شهری عنصری حیاتی، ضروری و جدانشدنی از کالبد شهر به شمار می‌آیند و نقشی اساسی در متابولیسم (حیات و عملکرد) آن ایفا می‌کنند؛ به طوری که کمبود آن‌ها می‌تواند اختلالات جدی در زندگی شهری ایجاد نماید. هدف از بیان این نکات، ارزیابی کیفی و تبیین اهمیت نقش فضای سبز در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان و فراهم‌آوردن آرامش روحی برای آن‌هاست. یافته‌های تحقیقات شهری حاکی از آن است که فضاهای سبز شهری دارای منافع اجتماعی و زیست‌محیطی (اکولوژیکی) هستند. در این میان، کارکردهای محیط زیستی یا همان بازدهی اکولوژیکی، مهم‌ترین تأثیر فضای سبز در شهرها محسوب می‌شود که با مقابله با اثرات مخرب صنعت و حمل و نقل، شهرها را برای زندگی مناسب‌تر می‌سازد و به بهبود کیفی زندگی شهروندان کمک می‌کند. اهمیت فضاهای سبز شهری به قدری بالاست که امروزه، وجود این کاربری به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی توسعه‌یافتگی جوامع مد نظر قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: فضای سبز، کاربری فضای سبز، توسعه یافتگی، حیات شهرها

۱- کارشناسی ارشد مهندسی عمران، گرایش سازه‌های هیدرولیکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لارستان

۱- مقدمه

سکونتگاه‌های انسانی در هر عصر، متناسب با پیشرفت‌های علمی و دانش بشر، نیازها، مطالبات و همچنین شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن دوره شکل گرفته‌اند تا پاسخگوی نیازهای ساکنان باشند. این زیستگاه‌ها از اولین نمونه‌های روستایی سنتی آغاز شده و تا جدیدترین اشکال خود یعنی کلان‌شهرها با جمعیتی بالغ بر ده میلیون نفر در گستره جهان توسعه یافته‌اند. کلان‌شهرهای کنونی به دلیل تغییراتی که در ساختار خود داده‌اند، پیوندشان با طبیعت به شدت کاهش یافته است. پیامد این دوری، آلودگی‌های برآمده از صنعت و فناوری است که محیط شهری را برای ساکنین به فضایی رنج‌آور تبدیل کرده است. افزون بر این، گسترش بی‌ضابطه و نامنظم شهرها (چه در بعد افقی و چه عمودی) به نابودی محیط زیست طبیعی انجامیده است. در گذشته، طبیعت و فضای سبز به منزله مرکز حیاتی زیستگاه‌های بشری بودند و بهترین مکان برای برپایی نخستین شهرها به شمار می‌رفتند؛ اما امروز، به دلیل بی‌توجهی به ساکنان شهر، این میراث در معرض زوال و تخریب قرار گرفته است.

با توجه به بحران‌های فزاینده که شهرها را تهدید می‌کنند، از جمله آلودگی صوتی، آلودگی هوا و فشارهای روانی ناشی از زندگی در میان ازدحام بناهای بتنی، ترافیک سنگین و تردد وسایل نقلیه، توجه به نیازهای حیاتی این جمعیت انبوه شهری ضروری است. افزایش و تمرکز جمعیت در مناطق مختلف، تأثیر مستقیمی بر کیفیت محیط زیست دارد، به طوری که در کشورهای در حال توسعه، رشد جمعیت، فقر و تخریب محیط زیست یک دور باطل به وجود آورده است. این چرخه مخرب، کیفیت زندگی مردم را به شدت کاهش داده و تلاش کشورهای جهان سوم برای دستیابی به توسعه پایدار را ناکام گذاشته است. یکی از شروط اساسی دستیابی به توسعه پایدار، برخورداری جامعه از رفاه و آسایش است که امروز هدف اصلی مسئولین و دست‌اندرکاران جامعه به شمار می‌رود. رفاه و آسایش زندگی به دو جنبه مادی و روحی (معنوی) تقسیم می‌شود که آسایش روحی و روانی از اهمیت بالاتری برخوردار است. در میان عوامل بیرونی مؤثر بر تأمین این آسایش در محیط‌های شلوغ شهری، فضاهای سبز شهری نقش کلیدی دارند و پژوهش‌های متعدد، تأثیر مثبت آن‌ها بر آرامش شهروندان را تأیید کرده‌اند. از این رو، امروزه بر نقش حیاتی طراحی و برنامه‌ریزی شهری در راستای حفظ ارتباط میان محیط‌های شهری با طبیعت و فضای سبز تأکید می‌شود (نامور ۱۴۰۳).

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱- فضای سبز از دیدگاه شهرسازی

فضای سبز، عنصری از منظر شهر است که از پوشش‌های گیاهی تشکیل شده است. در گام نخست، این فضاها به دو گروه "فضاهای سبز متراکم" و "سطوح سبز" تقسیم می‌شوند و در گام بعدی، بر حسب مکان به دو بخش "شهری" و "غیرشهری" مجزا می‌گردند.

تفاوت اکولوژیکی فضاهای سبز و سطوح سبز: از نظر زیست‌محیطی، سطوح سبز (مانند چمن‌کاری زمین‌های ورزشی) در مقایسه با فضاهای سبز انبوه و شبه جنگلی، فاقد کارایی کافی هستند؛ برای مثال، تأثیر آن‌ها در کاهش آلودگی صوتی یا تنظیم مطلوب دمای محیط به مراتب کمتر است.

انواع فضاهای سبز در محیط‌های شهری: بر اساس این تقسیم‌بندی، کاربری‌های فضای سبز در شهرها موارد زیر را در بر می‌گیرد:

فضای سبز عمومی (اجتماعی): این نوع، دارای بازدهی اجتماعی بوده و برای گذران اوقات فراغت و تفریح همگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و عموماً به آن پارک می‌گویند. این فضاها معمولاً شامل خدمات و تسهیلات رفاهی هستند.

سطوح سبز عمومی، خیابانی و چمن‌های ورزشی.

فضای سبز نیمه عمومی: این فضاها عمدتاً دارای بازدهی اکولوژیکی هستند، اما دسترسی استفاده‌کنندگان به آن‌ها محدود است. محوطه‌های ادارات، پادگان‌ها و بیمارستان‌ها نمونه‌هایی از این نوع فضاها محسوب می‌شوند.

فضای سبز خیابانی: شامل درختکاری‌های حائل میان مسیرهای پیاده‌روی و سواره‌رو، فضاهای سبز میدانی و حاشیه‌ی بزرگراه‌ها و خیابان‌ها است. کارکرد اصلی این فضاها جنبه زیبایی‌شناختی است، اما تا حدودی بازدهی زیست‌محیطی نیز دارند.

اهمیت فضای سبز عمومی: به طور کلی، بخش بزرگی از مساحت فضای سبز در طرح‌های شهری را فضای سبز عمومی شامل می‌شود که به دلیل تأمین همزمان منافع اجتماعی و محیط زیستی (اکولوژیکی)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (باروقی ۱۳۸۳)

۲-۲- تاریخچه احداث فضای سبز

تاریخ معماری و شهرسازی به وضوح نشان می‌دهد که انسان‌ها از دوران باستان به ضرورت ایجاد باغ و فضای سبز در سکونتگاه‌های خود پی برده بودند. هدف از این اقدام، جلوگیری از جدایی انسان از طبیعت و اصل خویش بوده است. به عنوان

شاهدی بر این طرز تفکر کهن، می‌توان به باغ‌های معلق بابل (حداثی معلقه) اشاره کرد. این باغ‌های شگفت‌انگیز، حدود پانصد سال پیش از میلاد، در محوطه چهارده هکتاری یک کاخ بزرگ در قلب شهر بابل ساخته شدند. این باغ عظیم (اشاره به باغ‌های معلق بابل) از سطوحی پله‌ای تشکیل شده بود که بر روی ستون‌های مخفی قرار داشتند و در هفت طبقه، با گیاهان کمیاب آویزان تزئین شده بودند. الگوبرداری از طبیعت در تمدن‌های باستانی: در قرن پنجم پیش از میلاد، یونانیان در سبک معماری کورنت (کرنه)، سرستون‌ها را به شکل سید گل و خود ستون‌ها را به صورت گیاهان پیچک‌مانند می‌ساختند. همچنین در آتن، محله‌های تازه احداث‌شده را با درختکاری زینت می‌دادند. معماران مصری نیز ستون‌ها را با الهام از عناصر طبیعی محیط اطراف، به شکل گیاهانی مانند نیلوفر آبی (باقلائی قبطی)، پایپروس و نخل طراحی می‌کردند. فضاهای سبز شهری باستانی: شهر اسکندریه دارای باغ‌های ملی بزرگ بود و در آتن فضاهایی مانند باغ گیاه‌شناسی، موزه و باغ وحش وجود داشت.

باغ ایرانی: ایرانیان نیز از زمان هخامنشیان به احداث باغ‌های میوه در اطراف شهرهای خود اهمیت می‌دادند و درختانی مانند گوجه سبز و هلو رایج بودند. همچنین، گزارش‌هایی از وجود پارک‌های تفریحی در زمان شاه عباس صفوی موجود است که نمونه‌هایی از باغ‌های آن دوره (مانند چهارباغ اصفهان، باغ فین کاشان و باغ ارم شیراز) به یادگار مانده‌اند. سبک اصلی باغ‌های ایرانی شامل محوطه محصور، کانال یا نهری برای جریان آب در مرکز و یک عمارت کلاه فرنگی (محل استراحت) معمولاً در مرکز باغ بود. لزوم فضای سبز در عصر حاضر: با بازگشت به دنیای امروز، با توجه به افزایش روزافزون آلودگی‌های محیطی و نیازهای روحی انسان، طراحی شهرهای جدید صرف‌نظر از ریشه‌های تاریخی و علایق ذاتی – باید پیوندی ناگسستنی با فضای سبز داشته باشد. نمونه‌ای مدرن از این رویکرد، شهر جدید برازیلیا در برزیل است که به گونه‌ای طراحی و اجرا شده که مکمل و هماهنگ با طبیعت اطراف خود باشد (Bolitzer, 2000).

۲-۳- اهمیت و کارکردهای مهم فضای سبز شهری

مفهوم امروزی شهرها بدون وجود فضای سبز کارآمد در انواع مختلف آن، دیگر غیرقابل تصور است. پیامدها و پیچیدگی‌های فزاینده زیست‌محیطی ناشی از گسترش شهرنشینی، حضور و توسعه فضای سبز را به یک ضرورت همیشگی و اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. شهرها، به عنوان مراکز اصلی تمرکز زندگی و فعالیت انسان‌ها، برای تضمین بقا و پایداری خود، باید از ساختار و عملکرد سیستم‌های طبیعی الهام بگیرند و آن‌ها را بپذیرند. فضاهای سبز به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر و حیاتی از کالبد شهر، نقشی اساسی در متابولیسم (حیات) شهری ایفا می‌کنند، به طوری که نقصان در آن‌ها می‌تواند آشفتگی‌ها و اختلالات جدی در زندگی شهرها ایجاد کند. تعبیر عمومی از فضای سبز به عنوان "ریه‌های تنفسی شهرها"، بیانی اغراق‌آمیز از کارکرد آن نیست، بلکه این تشبیه در واقع حداقل عملکرد اکولوژیکی آن را در ساختار شهرها نشان می‌دهد. این فضاها، هم از منظر تأمین نیازهای زیست‌محیطی شهروندان و هم از نظر فراهم‌آوری محیط‌های لازم برای گذران اوقات فراغت، تعامل و ارتباطات اجتماعی، دارای جایگاهی درخور توجه هستند. در ادامه به مهم‌ترین کارکردهای فضاهای سبز در شهرها پرداخته خواهد شد:

- ۱) نقش آرامش‌بخش و اوقات فراغت (تفریحی): پارک‌ها بهترین مکان برای بازیابی آرامش روانی و رفع خستگی‌های روزمره محسوب می‌شوند. امروزه، این فضاهای سبز و پارک‌ها، تا حدی وظایف تفریحی که پیش‌تر بر عهده خانواده، روابط همسایگی یا بازارها بود را جایگزین کرده‌اند.
- ۲) نقش ارتقاء سلامت (بهداشتی): فضاهای سبز و پارک‌ها را می‌توان به عنوان مراکزی در نظر گرفت که به تأمین سلامت جسمی و روانی افراد کمک می‌کنند. تأثیر گسترده فضای سبز در تسکین اعصاب و تمرکز ذهنی بر کسی پوشیده نیست.
- ۳) نقش توسعه روابط اجتماعی (ارتباطی): پارک‌ها بستری را فراهم می‌کنند که در آن تعاملات اجتماعی غیررسمی و سازمان یافته‌ای شکل می‌گیرد و بر اساس نیازهای متنوع اقشار جامعه ادامه می‌یابد.
- ۴) نقش پرورش و یادگیری (آموزشی): بازی و سرگرمی سهم مؤثری در پرورش جسم و ذهن کودکان دارد. اگرچه پارک‌ها ممکن است تجهیزات بازی محدودی داشته باشند، اما محیط آن‌ها به خوبی زمینه را برای کسب مهارت و شکوفایی خلاقیت در کودکان مهیا می‌کند.
- ۵) نقش تجاری جانبی (خرید و فروش): با وجود اینکه کارکرد اصلی پارک‌ها گشت و گذار و آسایش است، اما به دلیل تجمع گسترده مردم در این مکان‌ها، فضایی مناسب و پررونق برای عرضه کالاهای مورد نیاز بازدیدکنندگان به وجود می‌آید (نامور ۱۴۰۳).

۴-۲- عملکرد های فضای سبز

در اینجا، انواع فضاهای سبز در شهرها بر اساس کاربری و میزان دسترسی، به ۴ دسته تقسیم شده‌اند: فضای سبز همگانی (عمومی): این دسته شامل پارک‌ها و سایر مناطق سبز شهری است که کارکرد اصلی آن‌ها اجتماعی می‌باشد. این مکان‌ها برای استفاده عموم مردم جهت گذراندن فراغت، تفریح و برگزاری اجتماعات فرهنگی و اجتماعی در دسترس هستند.

فضای سبز با دسترسی محدود (نیمه‌عمومی): این فضاها نسبت به فضاهای عمومی، محدودیت دسترسی بیشتری دارند. نمونه‌های آن شامل محوطه‌های باز بیمارستان‌ها، ساختمان‌های دولتی و نهادهای مشابه است. فضای سبز حاشیه‌ای و خیابانی: این نوع فضاهای سبز شهری معمولاً به شکل درختکاری در نوارهای باریک واقع در حد فاصل پیاده‌روها و مسیرهای تردد وسایل نقلیه (سواره‌روها) ایجاد می‌شوند. فضای سبز شخصی (خصوصی): این گروه تمامی فضاهای سبزی را در بر می‌گیرد که استفاده از آن‌ها منحصر به صاحبان یا مالکان آن‌هاست؛ مانند باغ‌ها (Eckert, 1990).

۵-۲- کیفیت زندگی شهری

کیفیت زندگی شهری به معنای لحاظ کردن شاخص‌های چندوجهی از قبیل ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و روانی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری است. این توجه در دو جنبه عینی (قابل اندازه‌گیری/کمی) و ذهنی (احساسی/کیفی) صورت می‌گیرد. مثال‌هایی از شاخص‌های عینی عبارتند از: بهبود شرایط آموزشی، سهولت و کیفیت دسترسی‌ها، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای تفریحی، و ایجاد امکاناتی برای تعاملات و فرصت‌های اجتماعی (مانند اشتغال، رفاه و مشارکت اجتماعی). جوهره اصلی این مفهوم، بر تأمین نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی شهروندان متمرکز است؛ نیازهایی چون امنیت، زیبایی، آرامش خاطر، احساس تعلق اجتماعی، شادی و تفریح. کیفیت زندگی شهری همچنین شامل ابعاد روانی است که شاخص‌هایی نظیر رضایت، شادی و امنیت را در بر می‌گیرد. به همین دلیل، برخی این مفهوم را "رضایت اجتماعی" نیز می‌نامند و به میزان دسترسی به فرصت‌های اجتماعی (مثل شغل، ثروت و اوقات فراغت) توجه می‌کنند. عده‌ای این اصطلاح را معادل رفاه می‌دانند و گروهی دیگر آن را بیانگر جنبه‌ای از رفاه تعریف می‌کنند که با میزان و نحوه توزیع کالاهای عمومی مشخص می‌شود. لازم به ذکر است که یکی از معیارهای حیاتی ارزیابی کیفیت زندگی شهری، وجود فضاهای باز و سبز عمومی است که به عنوان یکی از زیرمعیارهای اصلی شاخص اجتماعی این کیفیت در نظر گرفته می‌شود (عسگری پور ۱۳۷۷).

۶-۲- نقش فضای سبز در کیفیت زندگی شهری

در عصر حاضر، نقش و اهمیت فضاهای باز و سبز در محیط زندگی و ارتقای کیفیت زیستی سکونتگاه‌های انسانی به طور چشمگیری افزایش یافته است. به همین دلیل، در اغلب کشورها، فضاهای باز و سبز به عنوان عنصری جدایی‌ناپذیر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی کاربری زمین تلقی می‌شوند. کارکردهای کلی فضاهای سبز شهری را می‌توان به سه دسته اصلی تقسیم کرد: بازدهی اکولوژیکی و محیط زیستی، بازدهی کالبدی - شهرسازی و بازدهی اجتماعی - روانی. در تحلیل اثرات روانی - اجتماعی فضای سبز، باید گفت که انسان در هر وضعیتی، روزانه به ساعتی سکوت و آرامش نیاز دارد و فضاهای سبز توانایی تأمین این محیط را دارند. همچنین، مهم‌ترین تأثیر فضای سبز در شهرها، کارکرد زیست‌محیطی آن است. این کارکرد است که شهرها را به محیط زیست مناسبی برای جامعه انسانی تبدیل کرده و با پیامدهای منفی ناشی از توسعه صنعت و استفاده نادرست از فناوری مقابله می‌کند و سبب بهبود کیفیت زیستی شهرها می‌شود. این اهمیت تا حدی است که در سایر کشورها نیز به بحثی کلیدی تبدیل شده و سالانه بخش بزرگی از زمین‌های شهری به این کاربری مهم اختصاص می‌یابد. منظور از بازدهی اکولوژیکی شامل مواردی مانند: زیباسازی محیط شهری، کاهش دمای هوا، تولید اکسیژن، افزایش قابلیت نفوذ آب در خاک هنگام بارش‌ها و موارد مشابه است. به طور کلی، پیامدهای اجتماعی ناشی از ایجاد و توسعه فضای سبز شهری را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد (وارثی و همکاران ۱۳۸۷): آثار جامعه شناختی، آثار فرهنگی آثار روانشناختی (روحي روانی) با نظر به مطالب ارائه شده به معرفی آثار مطلوب و نا مطلوب فضاهای سبزی از منظر جامعه شناختی، فرهنگی و روانشناختی بر روی شهروندان می‌پردازیم.

۷-۲- اثرات روحی و روانی فضای سبز بر کیفیت زندگی شهری

ذات و سرشت انسان دارای قابلیت‌ها و توانایی‌های عظیمی است. اما برای بالفعل شدن این توانمندی‌ها، ارتباط با زیبایی‌های طبیعت امری ضروری است. در محیط شهری، کمبود یا نبود فضاهای سبز می‌تواند به بروز مشکلاتی چون افسردگی، بی‌حالی و

سستی و کاهش انگیزه در افراد منجر شود. در مقابل، حضور و استفاده مستمر از این فضاها، بستری برای شکوفایی خلاقیت‌های بشری و پیشروی در مسیر کمال و توسعه فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. با وجود اینکه ممکن است بسیاری از ساکنان شهرها از منافع و تأثیرات غیرمستقیم فضاهای سبز بر بهبود کیفیت زندگی خود مطلع نباشند، پژوهش‌های متعدد به وضوح نشان داده‌اند که بود و نبود این محیط‌ها، تأثیر بسزایی بر بهداشت روانی، سطح رفاه و نحوه تعاملات اجتماعی افراد می‌گذارد.

اشارات مذهبی: اهمیت این موضوع حتی در منابع دینی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه از بررسی مجموعه آیات قرآن و احادیث چنین نتیجه می‌شود که:

۱. نگاه به فضای سبز غم‌های انسان را می‌زداید. به او آرامش بخشیده و او را شاد و خوشحال می‌کند.
۲. بهره‌مندی از فضای سبز حالت یاس و نومیدی را از انسان دور کرده و شور و امید را در او ایجاد و یا تقویت می‌کند.
۳. فضای سبز تأثیری قابل توجه در درمان بیماری‌های روحی و روانی دارد به طوری که این مشکلات با نگاه کردن به فضا و مناظر سرسبز و قدم زدن و نفس کشیدن در فضای سبز از میان می‌رود.
۴. ارتباط با فضای سبز موجب نشاط و موجد انگیزه برای حرکت به سوی تعالی و تکامل است. (عسگری پور ۱۳۷۷)

۲-۸- میزان سرانه فضای سبز و تأثیر آن رفاه زندگی شهروندان

سرانه یک معیار کمی است که از تقسیم کل مساحت کاربری مورد نظر بر تعداد جمعیت به دست می‌آید. به بیان دیگر، سرانه میزان متوسط زمینی است که از هر نوع کاربری شهری (مانند فضای سبز، مسکن و...) به هر یک از ساکنان شهر اختصاص می‌یابد. تعیین میزان سرانه تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل مختلف قرار دارد که شامل موارد زیر است:

- اقتصادی: قیمت زمین و نوع درآمد شهروندان.
- شهرسازی و جغرافیایی: امکانات توسعه و گسترش فیزیکی شهر، و همچنین موقعیت اقلیمی و طبیعی منطقه.
- اجتماعی و فرهنگی: مسائل اجتماعی، آداب و رسوم، و نیازهای جمعیت به امکانات رفاهی.
- معیشتی و فنی: نوع معیشت مردم و سطح تکنولوژی ساختمان‌سازی.

امروزه، میزان سرانه اختصاص‌یافته به خدمات شهری در اغلب کشورها به عنوان سنجش سطح رفاه و کیفیت زندگی در شهرها به کار می‌رود. در این بین، سرانه فضاهای سبز نیز یک عامل کلیدی برای ارتقای سطح زندگی شهری محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت این فضاها و لزوم توسعه آن‌ها در شهرها با هدف تلطیف هوا، تأمین امکانات تفریحی و بهبود زیبایی شهر، ضروری است که استانداردهای مشخصی برای ایجاد فضاهای سبز تعیین شود؛ زیرا صرفاً افزایش نامحدود مساحت فضای سبز، کفایت نخواهد کرد.

نکته مهم در محاسبه سرانه: بحث سطوح و سرانه فضای سبز را تنها می‌توان در مورد فضاهای سبز عمومی مطرح کرد. این بدان دلیل است که فضاهای سبز خصوصی، نیمه‌عمومی و حاشیه‌ای معابر، اگرچه در منافع زیست‌محیطی (اکولوژیکی) نقش مهمی دارند، اما ذاتاً فاقد کارکرد اجتماعی برای استفاده عموم شهروندان هستند. اولویت‌های دنیای معاصر: در دنیای صنعتی امروز، دستیابی به پیشرفت در حوزه‌های گوناگون صنعت، فناوری و غیره به یکی از دغدغه‌های محوری کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و حتی کشورهای جهان سوم تبدیل شده است. متوسط سرانه فضای سبز ۳۰ متر مربع برای هر فرد است. شاخص تعیین شده از محیط زیست سازمان ملل متحد ۵ تا ۲۰ متر مربع و در جایی مانند ایالت متحده ۷۵ متر مربع به ازای هر فرد است. این در حالی است که بر اساس مطالعات و بررسی‌های وزارت مسکن و شهرسازی، سرانه متعارف و مناسب فضای سبزی شهری در ایران حدود ۷ تا ۱۲ متر مربع برای هر فرد ایرانی است و شهر تهران تنها دارای یک بیستم فضای سبزی است که (طبق نظر کارشناسان مسکن و شهرسازی ۹ متر مربع برای هر فرد) بدان نیاز دارد. در گزارش مطالعات گروه برنامه ریزی شهری وزارت کشور این نقل قول آمده است که زندگی سالم در جایی امکانپذیر است که سهم سرانه هر فرد از فضای سبز در منطقه مسکونی از ۳۰ تا ۵۰ متر مربع کمتر نباشد. و برای رسیدن به پارک بیش از یک ربع ساعت وقت نگیرد. سرانه فضای سبز در شهرهای مهم جهان مثل آمستردام ۱۶ متر در شیکاگو ۲۰، نیویورک ۱۱، لندن ۹، کپنهاگ ۱۰، پاریس ۷/۷۴، در شهر رم نیز ۶ متر می‌باشد. که اینها نشان دهنده اهمیت این فضاها برای شهروندان می‌باشد (Greene2000).

۲-۹- ضرورت فضاهای سبز در زندگی شهری

فضاهای سبز شهری نوع خاصی از کاربری‌های زمین در شهرها محسوب می‌شوند که دارای پوشش گیاهی دست‌کاشت (انسان‌ساخت) هستند و همزمان، منافع اجتماعی و زیست‌محیطی (اکولوژیکی) را فراهم می‌کنند. از دیدگاه علم شهرسازی، فضای سبز شهری بخشی از منظر و سیمای بصری شهر را در بر می‌گیرد که از گونه‌های مختلف پوشش گیاهی تشکیل شده است. این فضاها به عنوان یک عنصر زنده و حیاتی، در کنار کالبد فیزیکی شهر، تعیین‌کننده ساختار مورفولوژیک (شکل و بافت) شهر هستند.

تفاوت فضای سبز و سطح سبز: بر اساس مفهوم فضا، زمین‌هایی که به پوشش گیاهی کوتاه، نازک و کم حجم اختصاص دارند (مانند چمن و مراتع) به عنوان سطوح سبز شناخته می‌شوند، در حالی که زمین‌هایی که به پوشش‌های گیاهی بلند یا نسبتاً بلند اختصاص دارند (مانند جنگل، باغ و...) به عنوان فضای سبز (یا فضای سبز متراکم) تلقی می‌گردند. به عنوان فضاهای سبز دسته‌بندی می‌شود.^۱ از آن جا که فضای سبز و محیط زیست شهری در زمره اساسی‌ترین عوامل پایدار حیات طبیعی و انسانی در امر سلامت اسکان انسان است لذا باید نیاز انسان به گیاهان که از مهمترین عوامل اکوسیستم است را بالاتر از سایر نیازها منظور نمود و روند نابودی آنها را به دلیل اثرات مطلوب آنها، رنگ خطری برای جوامع بشری به حساب آورد.^۲ مهمترین اثر فضای سبز در شهرها، کارکرد زیست محیطی آنهاست که شهرها را به عنوان محیط زیست جامعه انسانی معنی‌دار کرده است و سبب افزایش کیفیت زیستی شهرها می‌شوند: این کارکرد زیست محیطی شامل تعدیل‌ها، افزایش رطوبت نسبی، لطافت هوا و جذب گرد و غبار است. دیگر تأثیرات فضای سبز در شهرها نقش نسبی دارند.^۳ (سعیدینا)

۲-۱۰- عملکردهای فضای سبز

در گذشته، به دلیل کم بودن تعداد شهرها در قیاس با روستاها و همچنین محدود بودن وسعت شهرها، کارکرد اصلی فضاهای سبز عمدتاً به زیباسازی و سپس آراستن محیط‌های ساخته‌شده محدود می‌شد. اما امروزه، نقش این فضاها در سطح شهرها بسیار گسترده‌تر و حیاتی‌تر شده است. این کارکردهای اساسی را می‌توان به طور کلی در سه دسته زیر مطرح کرد: عملکرد زیست محیطی فضای سبز، عملکرد فضای سبز در ساخت کالبدی شهر و عملکرد اجتماعی - روانی فضای سبز.

- الف- عملکرد زیست محیطی: ایجاد فضای سبز یک شیوه کارآمد برای مهار آلودگی‌های گوناگون زیست‌محیطی است. این فضاها به طور مؤثر آلاینده‌های مختلف شامل آلودگی‌های گازی، ذرات معلق، آلودگی صوتی، تشعشعات، بوهای ناخوشایند و دیگر مواد آلوده‌کننده موجود در هوا، آب و خاک را کنترل می‌کنند و در نتیجه، محیطی سالم‌تر برای انسان فراهم می‌آورند.^۴ تأثیر مثبت فضاهای سبز بر اقلیم شهر در شرایطی به بیشترین حد ممکن می‌رسد که دو عامل کلیدی رعایت شوند:
 - مکان‌یابی صحیح: فضای سبز باید از نظر اقلیمی و آب و هوایی، در محل مناسبی احداث شود.
 - استفاده از پوشش گیاهی مناسب: در طراحی این فضاها باید عمدتاً از درختان و درختچه‌ها (به جای گیاهان کوتاه) استفاده شود.^۵

ب- عملکرد فضای سبز در ساخت کالبدی شهر: امروزه فضای سبز به علت نقشی که در حکم سازی می‌دهند. و هدایت‌کننده رشد و توسعه کالبدی فیزیکی شهرها ایفا می‌کند بطور اساسی مورد توجه قرار گرفته و در هماهنگی با بخش بی‌جان شهر (کالبد)، ساختار، بافت و سیمای آن را تشکیل می‌دهد در این حالت فضای سبز می‌تواند نقش شهر، تفکیک فضای شهر و آرایش شبکه راه‌ها را برعهده گیرد.^۶ در واقع می‌تواند در خدمات مدیریت فرم شهر، بهبود شرایط اکولوژیکی، حفظ منابع آب و خاک، فقط چشم‌اندازهای روستایی، توسعه امکانات فراغت، حفظ و تقویت عناصر هویت بخش قرار گیرند. از منظر شهرسازی و به منظور تأثیرگذاری بر توسعه کالبدی و هدایت شکل فیزیکی شهر، دو استراتژی اصلی برای به‌کارگیری فضاهای باز و سبز مطرح شده است:

- رویکرد گسترش پیوسته: در این روش، فضاهای باز و سبز نه تنها به عنوان مانعی در برابر توسعه عمل نمی‌کنند، بلکه به صورت شبکه‌ای متصل و پیوسته گسترش می‌یابند.
- رویکرد پراکندگی تسهیل‌کننده دسترسی: در این استراتژی، فضاهای باز در ابعاد کوچک‌تر طراحی شده و به شکل پراکنده در سراسر بافت شهر توزیع می‌شوند تا دسترسی آسان عموم مردم به آن‌ها فراهم شود. این توزیع هوشمندانه، حس و ادراک مطلوبی از شهر را برای شهروندان ایجاد می‌کند.
- علاوه بر این رویکردهای کمی و مکانی، ویژگی‌های کیفی این فضاها نیز قابل بررسی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود (نامور، ۱۴۰۳).
- ب-۱: ارتقاء کیفیت هوا

ایده ایجاد تنوع در زندگی روزمره از طریق ادغام آن با محیط شهر، منجر به شکل‌گیری دو رویکرد اصلی شده است: دیدگاه کارکردی-تنوعی (دیدگاه نخست): این دیدگاه، فضای باز را به عنوان عاملی در نظر می‌گیرد که:

۱- احمد سعیدینا، « فضای سبز شهری » ص ۲۹
 ۲- مهدی شیبانی « برنامه‌ریزی فضای سبز » فشیصفه شماره ۲۵.
 ۳- احمد سعید نیا، همان، ص ۳۵.
 ۴- احمد سعید نیا، « فضای سبز شهری » ص ۳۸.
 ۵- کامبیز بهرام سلطانی «مجموعه روش‌های شهرساز یا محیط زیست».
 ۶- کامبیز بهرام سلطانی « همان » ص ۲۱۱.

- فعالیت‌های عادی و مشخصی را در خود جای می‌دهد.
 - در برابر محیط فشرده و متراکم شهری، نوعی تنوع ایجاد می‌کند.
- بر تمرکز فضاهای باز در مسیرهای روزانه مردم تأکید دارد تا یک ادراک مطلوب از محیط شهری برای آن‌ها حاصل شود. دیدگاه کیفی-تلفیقی (دیدگاه دوم): این رویکرد، بیشتر بر جنبه‌های کیفی و مطلوبیت فضای باز متمرکز است. این دیدگاه معتقد است که یک محیط شهری دلپذیر و باکیفیت باید جزء لاینفک محل سکونت افراد باشد و محیط مسکونی باید با این عنصر کیفی در هم تنیده و تلفیق شده باشد (Mahfuzur, 2004).

۳- عملکرد اجتماعی - روانی فضای سبز

کارکردهای اجتماعی و روانی فضاهای سبز شهری امروزه در پاسخ به چالش‌های اجتماعی شهرهای مدرن، از اهمیت چشمگیری برخوردارند. این مناظر طبیعی با ایجاد محیط‌هایی مناسب برای تفریح و تسهیل تعاملات اجتماعی میان اقشار مختلف جامعه، سهم ارزشمندی در بهبود وضعیت سلامت جسمی و روانی شهروندان دارند. بنابراین، فضاهای سبز یا در واقع، اکوسیستم‌های شبه‌طبیعی، به مثابه عناصری بازآفریننده حیات، به تجدید قوا و برقراری مجدد تعادل روحی و جسمی برای ساکنان شهر کمک شایانی می‌کنند (Isaaks, 1989).

الف- نقش و اثرات فضای سبز در محیط زیست شهری

تعدیل آب و هوا و افزایش رطوبت نسبی: دمای یک هکتار فضای سبز در مرداد ماه ۴/۵ درجه سانتیگراد کمتر از فضای مجاور خالی از درخت است. به همین نحو رطوبت نسبی درون یک فضای سبز تا ۱۱٪ بیش از محیط خارج، اندازه‌گیری شده است. با تعدیل ایندوپارامتر، فضای سبز میکرولیکی بوجود می‌آورد که آسایش و فیزیکی مناسبی برای زیست انسان در پی دارد. (نامور ۱۴۰۳)

تولید اکسیژن: میزان هوای مورد نیاز هر انسان حدود ۱۵ کیلوگرم در روز است. بر اساس یافته‌های پژوهشی، تنها ۱/۵ مترمربع چمن کوتاه‌نشده می‌تواند در طول یک سال، مقدار اکسیژن مورد نیاز یک نفر را تأمین کند.

جذب گرد و غبار: درختان به سبب پراکندگی شاخ و برگ خود بر تمام زوایا و سطوح یک گردگیر عمل می‌کنند و طی بررسی‌های به عمل آمده مشخص گردیده است که یک هکتار فضای سبز که حدود ۲۰۰ درخت در آن کاشته شده باشد تا ۶۸ تن گرد و غبار را در هر بارندگی جذب می‌کند (Koochi2010).

تولید فیتوسیند: درختانی مانند گردو، کاج، فراو، بلوط، فندق، سروکوهی، اکالیپتوس، سرو، افرا، زبان گنجشک و داغداغان از خود ماده‌ای به نام فیتوسیند تولید می‌کنند که بر بسیاری از باکتریها و قارچ‌های تک سلولی و برخی از حشرات ریز کشندگی دارد و در عین حال تولید چنین موادی توسط درختان بر روی انسان اثر فرح بخشی دارد. تعدیل بین دو نیمکره مغز را به خوبی برقرار می‌سازد و حالت آرام بخشی را در انسان ایجاد می‌کند.^۱ (فنی و همکاران ۱۳۹۳).

- کاهش آلودگی صوتی

قدرت جذب صدا در انواع مختلف درختان تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد؛ بلکه عامل تعیین‌کننده، بافت و میزان تراکم پوشش گیاهی است. همچنین، درختان همیشه‌سبز به‌صورت یکنواخت در طول سال توانایی کاهش صدا را دارند، در حالی که درختان خزان‌پذیر تنها تا زمانی که برگ‌هایشان ریخته نشده باشد، می‌توانند صداهای بیشتری را جذب کنند. علاوه بر این، استفاده از درختان بلند و ایجاد کمربندهای سبز با عرض بیشتر، نتایج مؤثرتری در کاهش آلودگی صوتی به همراه داشته است. همچنین، برای دستیابی به اثربخشی بیشتر، تراکم بوته‌های کاشته‌شده باید به گونه‌ای باشد که از سطح زمین تا ارتفاع بالا به‌صورت پیوسته ادامه یابد. امواج صوتی بر سطوح سخت مانند آسفالت و سیمان با سرعت بیشتری منتشر می‌شوند، در حالی که سطوح نرم مانند چمن یا سایر پوشش‌های گیاهی، توانایی جذب و کاهش صدا را دارند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، هر ۳۳ متر عرض از پوشش گیاهی می‌تواند حدود ۷ دسی‌بل از شدت صدا را کاهش دهد. همچنین گزارش شده است که یک ردیف پرچین همیشه‌سبز به عرض ۱ متر می‌تواند حدود ۴ دسی‌بل از فرکانس صدا را کاهش دهد.^۲

در شهرها و مناطق درون‌شهری، برای کاهش آلودگی هوا و صوتی، می‌توان اقدامات زیر را در نظر گرفت:

- ۱- حفظ واحدهای بافر (فاصله‌گذاری) بین کاربری‌های بالقوه آلاینده و مناطق حساس به آلودگی هوا و صوتی.
- ۲- ایجاد حاشیه‌های سبز محافظ بین منابع آلاینده و مناطق حساس به آلودگی.
- ۳- در صورتی که کاربری‌های واقع در فاصله ۵۰ متری از لبه خیابان حساسیت کمی نسبت به آلودگی صوتی داشته باشند، می‌توان دو ردیف پرچین با یک ردیف درخت در میان آن‌ها احداث کرد.

۱- نسیم صابر هاش - سارا محسنی « اهمیت فضای سبز و گیاهان پیشنهادی برای استفاده در فضای سبز » مجموعه مقالات همایش.

۲- غزاله، روحنی، « طراحی باغ و احداث فضای سبز » ص ۱۴۹.

۴- حساسیت کم کاربری نسبت به آلودگی صوتی

۵- طراحی و احداث فضاهای سبز با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، جهت و سرعت باد، می‌تواند منجر به ایجاد فضاهایی با کیفیت زیست‌اقلیمی بالا شود.

۶- در مواردی که کاهش شدید آلودگی ضروری باشد، می‌توان با ایجاد خاکریزی به ارتفاع حداقل ۲ متر و کاشت پوشش سبز بر روی آن، اثربخشی بیشتری در عایق‌بندی صوتی و پالایش هوا حاصل کرد.^۱ (سلطانی)

۲-۱۱- نقش فضای سبز در جذب پرتوها و ذخیره انرژی

اشعه‌های نور خورشید در طیف‌های ماورای بنفش و مادون قرمز با طولی موجهای بلند وقتی به سطح زمین برخورد می‌کنند در نواحی شهری بخصوص در سطوح آسفالت و ساختمانها و زمینهای خالی به گرما تبدیل شده و درجه حرارت شهرها را بالا می‌برد ولی همین پرتوها پس از برخورد به فضاهای سبز جذب درختان شده و با عمل فتوسنتز درختان به انرژی جنبشی تبدیل شده و باعث رشد درختان و پوششهای گیاهی می‌شود. بر همین احساس آرامشی که در سایه درختان به انسان دست می‌دهد مربوط به جذب همین پرتوهاست. در واقع درختان می‌توانند ۹ درصد انرژی خورشیدی را در تابستان جذب کنند و گرمای واضحی ساختمانها را کاهش دهند. همچنین اثر تعدیلی درختان و فضای سبز روی دمای شهرها باعث کاهش در مصرف انرژی لازم جهت سرمایش و انتشار گازهای گلخانه متصادد شده از واحدهای مبدل انرژی می‌گردد.^۲ (هادیو)

۲-۱۲- تأثیر هیدرولوژیک و جذب برگاب

توسعه مناطق شهری منجر به افزایش سطوح غیرقابل نفوذ می‌شود؛ به‌طوری که گسترش فضاهایی مانند پارکینگ‌ها، جاده‌ها، خیابان‌ها و ساختمان‌ها، نشان‌دهنده جایگزینی سطوح طبیعی و پوشیده از گیاهان با زمین‌هایی است که امکان نفوذ آب را ندارند. در چنین شرایطی، توانایی خاک در جذب آب باران کاهش یافته و در نتیجه، بارش‌های شدید به‌صورت رواناب سطحی جریان می‌یابند که این امر می‌تواند سیل آب و دیگر مشکلات هیدرولوژیکی را به‌دنبال داشته باشد. در مقابل، افزایش پوشش گیاهی در شهرها و حومه‌های آنها می‌تواند به‌طور مؤثری در کاهش این چالش‌های ناشی از توسعه شهری نقش ایفا کند. گیاهان با جذب، ذخیره‌سازی و مصرف آب، بخش مهمی از چرخه هیدرولوژیکی را بر عهده دارند و به همین ترتیب، سهم قابل توجهی در تنظیم رواناب و بهبود نفوذ آب به خاک دارند.^۳ سوزنی برگان تا ۴۰ درصد و پهن برگها تا ۲۰ درصد توانایی دارند با جذب برگاب جریان آب سطحی را در سطح شهر کند کنند. درختان با جذب برگاب و هدایت آن به اندامهای خود از یک سو سرعت سیلابها را تا سه برابر کاهش می‌دهند و از سوی دیگر از هزینه ساخت سیستم‌های هدایت جریانهای سیلابی می‌کاهند.^۴ (هادیو)

۲-۱۳- فضاهای سبز

فضاهای سبز به دو دسته فضاهای سبز شهری و فضاهای سبز غیر شهری تقسیم می‌شوند. در این بین فضاهای سبز شهری به چهار دسته زیر تقسیم می‌شوند: فضاهای سبز عمومی، فضاهای سبز نیمه عمومی، فضاهای سبز خصوصی و فضاهای سبز معابر و خیابان‌ها.

فضاهای سبز عمومی: اینها فضاهای سبز شهری هستند که واجد بازدهی اجتماعی می‌باشند. این فضاها برای عموم مردم درگذران اوقات فراغت، تفریح و گردهمایی اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این فضاهای سبز معمولاً به نام پارک / بوستان نام برده می‌شود. درواقع فضاهای سبز اجتماعی شامل همه فضاهای سبز عمومی مجهز به خدمات و تسهیلات می‌باشد.^۵

فضاهای سبز نیمه عمومی: فضاهای سبزی که بازدهی اکولوژیکی استفاده کنندگان آنها نسبت به فضاهای سبز عمومی محدودترند. محوطه‌های باز بیمارستانها، ادارات دولتی و نظایر اینها از این دسته‌اند.^۶

فضاهای سبز خصوصی: این دسته از فضاهای سبز شهری شامل باغچه‌های واقع در حاشیه یا میان خیابان‌ها و بزرگراه‌ها، همچنین فضاهای سبز میدان‌ها و بلوارها می‌شود. اگرچه ایجاد این فضاها عمدتاً بر عهده شهرداری‌هاست، اما شهروندان نیز می‌توانند با مشارکت در حفظ و نگهداری آنها، نقشی مثبت و مؤثر ایفا کنند.

۱- سارا هادیو- آمنة کامور شلمانی « جایگاه طراحی سبز در برنامه‌ریزی محیط زیست » مجموعه مقالات همایش‌های

۲- سارا هادیو - آمنة کامور شلمانی - همان منبع.

۳- داود نهري، « جایگاه اقتصادی فضای سبز در مدیریت شهری »، مجموعه مقالات همایش‌های.

۴- سارا هادیو - آمنة کامور شلمانی، همان منبع.

۵- احمد سعید نیا همان منبع ص ۳۲.

۶- محمود برآبادی، « فضای سبز شهری » ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۰.

تقسیم بندی فضاهای سبز خصوصی: تقسیم بندی فضاهای سبز خصوصی بصورت زیر می باشد:

گل‌ها و گیاهان داخل خانه، فضای سبز منزل، و فضای سبز بیرون منزل.^۱ به رغم اینکه این نوع فضای سبز فاقد بازده اجتماعی هستند ولی کارکرد زیست محیطی و اکولوژیکی قابل توجهی دارند.

- پارک در مقیاس واحد همسایگی
- پارک در مقیاس محله
- پارک در مقیاس ناحیه
- پارک در مقیاس حوزه
- پارک در مقیاس شهر
- پارک خطی

پارک در مقیاس واحد همسایگی: پارک شهری در مقیاس واحد همسایگی، پارکی است که در محدوده یک واحد «همسایگی» واقع شده، مساحتی کمتر از ۵۰۰ مترمربع دارد و کاربری اصلی آن به عنوان استراحتگاه همسایگی تعریف می‌شود. شعاع حوزه نفوذ این پارک‌ها ۱۰۰ متر است که معادل مساحتی حدود سی و یک هزار و چهارصد مترمربع می‌باشد و جمعیت ساکن در این محدوده تقریباً دوهزار و چهارصد نفر برآورد می‌شود. با توجه به کاربری آرامش‌بخش و استراحتی این نوع پارک‌ها، عدم احداث ابزارها (ساختمان‌ها) و حتی زمین بازی کودکان — به دلیل محدودیت فضایی و جلوگیری از ایجاد آشفته‌گی در فعالیت‌های آرامش‌طلبانه — غیرمجاز محسوب می‌شود. تنها استثناء، امکان احداث دفتر اداری و سرویس‌های بهداشتی است که مجاز شمرده می‌شوند. همچنین، در این پارک‌ها نسبت سطح سازه‌های معماری به سطح فضای سبز باید به گونه‌ای باشد که حداکثر ۲۰ درصد مساحت را سازه‌ها و حداقل ۸۰ درصد آن را فضای سبز تشکیل دهد.^۲ (فنی و همکاران ۱۳۹۳)

پارک کودک: پارک کودک به پارکی گفته می‌شود که در اراضی کمتر از ۵۰۰۰ متر مربع احداث واجد کاربری بازی کودکان می‌باشد و از لحاظ شعاع و مساحت و متوسط جمعیت حوزه نفوذ با پارک شهری در مقیاس همسایگی چندان تفاوت ندارد. با توجه به نوع کاربری این پارک‌ها، بهترین مکان انتخابی در حد فاصل منازل مسکونی و خیابانها است. این فاصله موجب می‌شود که آلودگی صوتی ناشی از فعالیت کودکان مزاحمتی برای ساکنین محل نداشته و از سویی در طی مسیر خطر ورود کودکان به خیابانها و شریانهای اصلی برطرف می‌گردد. استانداردهای تعیین شده به منظور طراحی پارکهای کودک عبارتست از:

۱- وسعت زمین بازی ۳۵٪ - ۲۰٪ وسعت کل زمین.

۲- وسعت معابر ۳۰٪ - ۱۵٪ وسعت کل زمین.

۳- وسعت فضای سبز ۵۰٪ وسعت کل زمین.

۴- ایجاد دیوار از فضای سبز به منظور تأمین عایق صوتی و محصور نمودن کودکان. (Koochi2010)

پارک‌های شهری در مقیاسهای محله‌ای: به پارکی گفته می‌شود در یک واحد «محله» قرار دارد و بنابر طبقه‌بندی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران وسعت آن ۵۰۰/۵۰/۰۰۰/ متر مربع و شعاع حوزه نفوذ هزار متر و مساحت حوزه آن سه کیلومتر مربع با متوسط جمعیت حوزه ۲۴/۰۰۰/ نفر می‌باشد.

شهری در مقیاس ناحیه: به پارکی گفته می‌شود که در یک ناحیه قرار دارد و مساحت آن از یک تا دو برابر پارک در مقیاس محله است و در حدود ۵۰/۰۰۰ - ۵۰۰۰ متر مربع می‌باشد. فاصله دورترین واحد مسکونی تا پارک برای ساکنان ناحیه با پای پیاده، چند دقیقه زمان می‌برد در طی مسیر خیابان تندرو هم می‌تواند وجود داشته باشد. شعاع حوزه نفوذ این تیپ پارک‌ها دوهزار متر و مساحت حوزه آن ۱۲ کیلومتر مربع می‌باشد و متوسط جمعیت مورد استفاده کمتری می‌تواند رد نود و شش هزار نفر باشد. (Koochi2008)

پارک شهری در مقیاس منطقه: به پارکی گفته می‌شود که بیشترین ساکنان یک منطقه از آن استفاده می‌کنند. مساحت آن بین ۲۰۰/۰۰۰ - ۱۰۰/۰۰۰ متر مربع می‌تواند باشد که در حدود دو برابر پارک شهری در مقیاس ناحیه است. شعاع حوزه نفوذ آن ۴۰۰۰ متر و مساحت حوزه آن ۶۰ کیلومتر مربع می‌باشد. متوسط جمعیت حوزه استفاده کننده از پارک ۴۰۰/۰۰۰ نفر بوده که ساکنان دور دست منطقه برای رسیدن به این پارک‌ها عموماً از وسایل از پارک ۴۰۰/۰۰۰ نفر بوده که ساکنان دوردست منطقه برای رسیدن به این پارک‌ها عموماً از وسایل نقلیه استفاده می‌نمایند. (Jeeshim2002)

پارک شهری در مقیاس شهر: پارک شهری به پارکی گفته می‌شود که وسعت آن بیش از دویست هزار مترمربع باشد و در مقیاسی بزرگ‌تر از پارک‌های منطقه‌ای قرار گیرد. حوزه نفوذ این نوع پارک‌ها شامل نقاط پراکنده‌ای در سطح شهر است و معمولاً جمعیت گسترده‌تری از آن بهره‌مند می‌شوند. نکته مهمی که در طراحی و ایجاد فضاهای سبز شهری - شامل پارک‌هایی در

۱- محمود بر آبادی، « فضای سبز شهری » ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۰.

مقیاس‌های محله، ناحیه، منطقه و شهر - باید رعایت شود، این است که مساحت کل تأسیسات و سازه‌های ساخته‌شده در یک فضای سبز نباید از ۳۰ درصد از کل مساحت زمین اختصاص‌یافته به آن فضا تجاوز کند. (سلطانی)

فضای سبز غیرشهری: فضاهای سبز غیرشهری، فضاهایی هستند که کارکرد شهری ندارند. از آنجا که این نوع فضاها به‌طور مستقیم در خدمات نیازهای روزمره شهروندان و فعالیت‌های شهری نیستند، در دسته‌بندی فضاهای سبز غیرشهری جای می‌گیرند و به دو گروه زیر تقسیم می‌شوند:

الف- فضاهای سبز طبیعی مانند جنگلهای طبیعی و اکوسیستم‌های بکر

ب- فضاهای سبز مصنوعی

شامل: کمرند سبز، باغات، گردشگاهها، پارکهای جنگلی، پارکهای گیاه شناسی می شود با توجه مطالعه موردی و وجود مریم در منطقه در صفحات بعد به بررسی کمرند سبزی پرداخته خواهد شد.

سطوح سبز: سطوح سبز به دو دسته شهری و غیر شهری تقسیم می‌شوند. سطوح سبز دارای کارکرد شهری را سطوح هر شهری فرمایند مانند: زمینهای باز ورزشی چمن کاری شده، جزیره‌ها لچلی‌های کوچک کنار خیابانها و پلها که با انواع گیاهان پوشش نظیر چمن یا گل پوشانده می‌شوند. آن بخش از سطوح سبز بدون کارکرد شهری را سطوح سبز غیر شهری می‌نامیم مانند مراتع و مزارع اطراف شهر و ...

۳- نتیجه‌گیری

فضای سبز شهری به مثابه بخش جاندار محیط شهر، مکمل ساختار بی‌جان و کالبدی آن است. در عصر حاضر، جامعه‌شناسان، روانشناسان و پزشکان متفق‌القول هستند که این فضاها، علاوه بر تأمین بهداشت هوا و محیط سکونت، نقش مثبتی در سلامتی شهروندان ایفا می‌کنند. مهم‌ترین نمود این نقش، تأثیرات روانی و آرامش‌بخش آن بر زندگی افرادی است که بخشی از اوقات فراغت روزانه خود را در این محیط‌ها سپری می‌کنند. با توجه به مطالب فوق، می‌توان به اهمیت حیاتی و نقش کلیدی این فضاها در کیفیت زندگی، و سلامت روحی و روانی شهروندان پی برد. سلامت شهروندان، پایداری شهری، و کمیت، کیفیت و بازدهی روان‌شناختی، اجتماعی و اکولوژیکی فضاهای سبز، از نتایج یک طراحی و برنامه‌ریزی شهری مناسب است. بنابراین، لازم است که تمام تلاش مسئولین و دست‌اندرکاران امور شهری معطوف به تحقق این هدف باشد. به ویژه، در طراحی و برنامه‌ریزی برای ساخت شهرهای جدید، این کاربری باید با توجه دقیق به نیازهای متنوع هر یک از شهروندان، طراحی و مکان‌یابی شود.

منابع

- باروقی، فریده. (۱۳۸۳). کاربری فضای سبز شهری از برنامه تا واقعیت. شهرداری‌ها، ۵(۶۰)، SID. <https://sid.ir/paper/441201/fa>
- فنی، زهره، کرمی، اعظم. (۱۳۹۳). ارزیابی و مکان‌یابی فضای سبز شهری با استفاده از GIS و روش AHP مورد مطالعه: منطقه ۷ شهرداری تهران، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۲(۵): ۱۱۷-۱۴۳
- عسگری پور، مهدی، (۱۳۷۷) سیستم توزیع فضای سبز شهر تهران مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران
- نامور، علیرضا، ۱۴۰۳، جایگاه و اهمیت کاربری فضای سبز در بین سایر کاربری‌ها، بیست و پنجمین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری، بابل، <https://civilica.com/doc/2214884>
- وارثی، حمیدرضا، محمدی، جمال، و شاهینودی، احمد. (۱۳۸۷). مکان‌یابی فضای سبز شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (نمونه موردی: شهر خرم‌آباد). جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۰(۶)، ۸۳-۱۰۳. SID. <https://sid.ir/paper/99086/fa>
- Bolitzer B, N. (2000). The impact of open spaces on property values in Portland - Oregon. Environmental management (193 -185 ,)59 .
- Eckert. (1990). Property appraisal and assesment administration.
- Greene, W. H. (2000). Econometric Analysis (4th Edition), Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Isaaks E.H, S. (1989). An introduction to applied geostatistics. Oxford university press.
- Jeeshim, K. (2002). Multicollinearity in regression models.
- Koohi M.K, H. S. (2008). Studing noise effects on property values. Dubai.
- Koohi M.K, R. M. (2010). Integrated MRA and Geostatistics method of residential property valuation. FIG .